وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

سرمقاله
رستاخیز ۲٤ حوت هرات
حماسه شرف و افتخار
ص۲

قانون اساسی و لویه جرگه آینده
ص۲

شاعراولیکوال څوک دي او څه غواړي؟
٤مخ

دور ششم سال اول شماره هژدهم دوشنبه ۲٦ حوت ۱۳۸۱ - ۱۳ محرم الحرام ۱٤۲٤ - 17 March 2003



استاد پس از بازگشت از سفر حج در خطاب به مستقبلان در میدان هوایی کابل:

ملت ما در برابر چلنج جدیدی قرار گرفته است

نسل جوان ما به این حقیقت متوجه شوند که حماسه های جهاد ومقاومت ارزش فراموش ناشدنی است

استاد برهان الدین ربانی روز پنجشنبه گذشته پس از ادای مراسم حج بیت الله شریف به وطن برگشت . در میدان هوایی کابل جمع بزرگی مردم از استاد استقبال نمودند. استاد در میان استقبال کنندگان سخنانی ایراد کرد که اینک تقدیم می گردد . ص۳

استاد برهان الدین ربانی با دیپلومات های افغانی ملاقات نمود

هفته گذشته سفراء و شارژدافیران و جنرال قنسل ها و نمایندگان دیپلوماتیک افغانستان در خارج از کشور جهت برگزاری سیمیناری از جانب وزارت خارجه دولت انتقالی اسلامی افغانستان به کابل مرکز کشور آمده بودندکه دفتر مرکزی جمعیت اسلامی افغانستان ظهر روز یکشنبه ۲۵ حوت به افتخار آنان ضیافتی را در رستورانت زنبق طلایی ترتیب داد . در این محفل محترم شیرزوی معین مسلکی وزارت امور خارجه نیز شرکت داشت. بعداز صرف طعام پوهنمل سید عنایت الله شاداب منشی جمعیت اسلامی افغانستان طی ص۳



به بهانه بیست وچهارم حوت روز قیام خونین مردم هرات



هرات دریایی از خون وآسمانی از عزت
ص۵

به مناسبت ۲٤ حوت
پیام استاد برهان الدین ربانی

در میان حوادث تاریخی کشور عزیزمان قیام خونین دلیر مردان وشیر زنان با فرهنگ هرات باستان نقطه عطفی است در رستاخیز بزرگ اسلامی وملی ملت افغانستان که سر انجام منجر به شکست تهاجم قشون سرخ گردید، من درحالی که خاطرهٔ همیشه جاوید این قیام را گرامی داشته وبه روان پاک شهیدان درود وبه وارثان با ثبات وصلابت ومردم حماسه آفرین هرات ابراز تسلیت می نمایم متذکر می شوم اگر فرزندان آزاده ومومن افغانستان در چنین قیام های خونین شرکت نمی جستند، وبه دفاع از استقلال وآزادی دین وفرهنگ خویش جان های شیرین شان را قربان نمی نمودند دیگر امروز افغانستان مستقل وملت آزاد آن را نمی داشتیم.

اشغالگران خارجی وعمال خود فروخته وذلیل آنان تصور می نمودند که با سرکوبی بیرحمانه وکشتار زنان وکودکان ترس ووحشت ایجاد می کنند ومانع گسترش قیام می گردند، غافل از این که طوفان خشم ملت های آزاد مهار پذیر نیست، وچون ملتی اراده نماید تا آزاد وسر بلند زندگی نماید همه موانع را از سر راه خود نا بود وهمه قیدها وزنجیرها را در هم می شکند واز قلب ظلمتها ونا امیدیها شعله های فروزان نور وامید واری را به درخشیدن فرا می خواند.

آری! کشتارهای دسته جمعی وسیلاب های خون حماسه آفرینان مظلوم هرات عامل عمده در قیام مردم درهمه اطراف واکناف کشور گردید. در سالگرد این قیام خونین در حالی که ازاین حماسه تمجید وبه روان شهداء درود وبر سرکوبگران نفرین می فرستم تاکید باید نمود که حق شهیدان جاوید این قیام تنها به این ادا نمی شود که فقط در حق شان دعا نماییم وگاه گاهی ذکر از آنان بنماییم، آنها آرمان وپیامی داشتند، به خاطر دفاع از آزادی واستقلال دین وفرهنگ، سرفرازی وعزت ملت خویش جان های شیرین شان را فدا نمودند،اینک بر وارثان این شهیدان است که اجازه ندهند که شعله های حق وآزادی را که به خون خویش روشن ساخته اند خاموش گردد .

درود بر روان شهدای عزیز ۲۴ حوت
سلام برحماسه آفرینان هرات باستان

سیمینار دیپلومات ها در کابل

سیمینار سفراء، شارژدافیران وقونسل های افغانی مقیم در کشورهای خارج که به تاریخ ۱۹ حوت در شهر کابل تدویر یافته بود روز ۲۴ حوت به کار خود پایان داد.

این سیمینار که در نوع خود نخستین سیمینار کاری می باشد درآن ۴۲تن از سفراء، شارژدافیران وقونسل های افغانی مقیم در سفارت های افغانستان در کشور های جهان، اشتراک نموده بودند، این سیمینار به ابتکار وزارت امور خارجه دولت انتقالی اسلامی افغانستان تدویر یافت. در جلسه افتتاحیه این سیمینار آقای حامد کرزی بیانیه خویش را ایراد فرمود . بعداً دکتر عبد الله وزیر امور خارجه، معینان آن وزارت وتعدادی از سفراء وشارژدافیران در این سیمینار سخنرانی نمودند.

معین سیاسی وزارت امور خارجه هدف از تدویر این سیمینار را ایجاد زمینه تعارف وتفاهم خوانده، گفت: سیمینار از نظر سرعت عمل فضای خوبی است برای شنیدن شکایات امور داخل وخارج کشور که با طرح آن به یک نتیجه مطلوب برسیم .

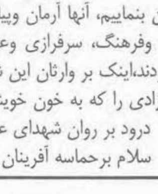
معین اداری وزارت امور خارجه طی گزارشی پیرامون فعالیت ۵۷ نمایندگی دیپلوماتیک افغانستان در خارج کشور که در برگیرنده ۲۳۴ تن دیپلومات میباشد، معلومات ارائه نمود . وی بودجه این نمایندگی ها را بیشتر از هشت ملیون دلار خواند که بودجه انکشافی آن شصت ملیون دلار می باشد . همچنان هر یک از سفراء وشارژدافیران ضمن گزارش هایی از کار وفعالیت دیپلوماتیک ، مشکلات وخواست های شان را مطرح نمودند.

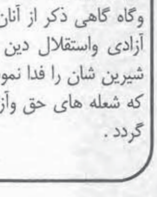


دپاکستان دسفیرښاغلي رستم شاه مهمند دمطبوعاتي کنفرانس په رڼا کې

دښه ګاونډیتوب په تمه
۲ مخ

گرفتاری خالد شیخ محمد





نقطهٔ عطف درعملیات ایف بی آی درپاکستان
ص۷

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس : کابل- چار راهی زنبق
صندوق پستی : ۲۲۶
شماره های تلفن:
همراه: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ / دجیتال: ۲۱۰۲۲۲۹
E-mail: mujahidweekly@yahoo.com

سرمقاله

رستاخیز ۲۴ حوت

حماسه شرف و افتخار

شنبه گذشته مصادف با بیست و چهارمین سالروز رستاخیز مردم مجاهد و فداکار هرات در برابر رژیم ستالینی وطن فروشان خلق و پرچم و باداران شوروی آنان بود.

این رستاخیز همگانی مردم درست زمانی به وقوع پیوست که از عمر ننگین رژیم مزدوران یک سال نمی گذشت. هر چند این حادثهء بزرگ نخستین پرخاش و نمایش خشم در برابر کمونستان نبود، مردم افغانستان در جای جای میهن دست به مخالفت مسلحانه بر ضد آنان یازیده بودند اما این حادثه بزرگ بی تردید به مثابهء یک ضربت مهلک بر پیکر رژیم ضد مردمی فرود آمد. کمونستان که همهء فجایع را به نام حمایت از مردم وستمکشان انجام می دادند پس از این حادثه دیگر دلیلی برای پا فشردن بر استمرار در قدرت نداشتند چون مردم آزاده و سرافراز هرات به نمایندگی از ملت مجاهد افغانستان با حضور زن ومرد،پیروبرنا نشان دادندکه مردمی بودن رژیم کمونستان ادعایی دروغین بیش نیست.

مردم مجاهد هرات در آن روز در برابر جنگ افزارهای مدرن با دست خالی ایستادند و برای پاسداری از آیین و سرزمین وفرهنگ و تاریخ شان در برابر رژیم کمونستی نه گفتند. ارتش نیز به ابتکار افسرانی رشید مانند محمد اسماعیل خان والی کنونی هرات و شهید علاؤالدین از فرماندهان دوران جهاد و مقاومت به صف انقلابیون پیوست. اما رژیم با بی رحمانه ترین شیوه در برابر به پا خاستگان برخورد نمود، صف های درهم فشردهء آنان را با گلو لۀ توپ و تانک و هواپیما بست و جاده های شهر را به خون صدیق ترین فرزندان کشور رنگین کرد.

به سخن حاضران در آن رستاخیز شمار شهیدان و زخمیان بسیار بلند بود. برخی شمار کشته شدگان را بیشتر از بیست هزار نفر می گویند که پدیدار شدن گورستان های جمعی در سالیان پسین از هولناک بودن آن روزومبالغه آمیزنبودن آن ارقام حکایه دارد.

بی تردید حادثۀ ۲٤ حوت ۱۳۵۷هرات یکی ازعوامل بسیار مهم دربر اندازی رژیم کمونستی به شمار می آید.

هرچند رژیم کمونستی به یاری اتحاد شوروی وقت با سر نیزه توانست جلو پیروزی این رستاخیز را بگیرد ولی به گونه کلی نتوانست آن را سرکوب کند. نه تنها هسته های جهاد در هرات پس از آن پویا تر شد که آن برخاستن بر ضد رژیم کمونستی را در سراسر کشور به گونهء یک کار منطقی ومیسر در آورد.

لذا ۲٤ حوت یکی از روزهای ماندگار و ایام الله در تاریخ معاصر کشور ماست. باید این روز نه تنها در هرات سرزمین ظهورش تجلیل گردد که باید در سراسر کشور از فداکاری و جانبازی بازیگران آن تقدیر شود. زیرا این روز ویژهء هراتیان نیست بلکه رستاخیز ۲٤ حوت فریاد اعتراض همگانی ملت افغانستان بود که در هرات تجلی یافت. اما با تأسف فراوان امسال از ۲٤ حوت جز در هرات در جاهایی دیگر و حتی کابل تجلیلی به عمل نیامد.

ملت مجاهد افغانستان برای حفظ فرهنگ سر افرازی و هویت تاریخی اش نیاز دارد که یاد و خاطرهء همچون روزهای بزرگ را که حماسه های شرف وافتخار است در ذهن و حافظهء فرزندانش جاودانه نگه دارد.

قانون اساسی و لویه جرگهٔ آینده

عبدالصبور رحیل – امریکا

قانون اساسی جدید کشور در دست تدوین است و قرار است در لویه جرگهء سال آینده مورد تصویب نمایندگان ملت قرار گیرد، ما در گذشته ها نیز قوانین اساسی داشته ایم و به همین ترتیب لویه جرگه ها. آیا تفاوتی میان این قانون اساسی و لویه جرگه یی که قرار است آن را تصویب کند با قوانین اساسی و لویه جرگه های پیشین وجود دارد؟ آیا نیازی هست که این بار قانون اساسی ولویه جرگه با قوانین گذشته تفاوت داشته باشند؟ این تفاوت ها چه باید باشند؟

با آنکه قوانین اساسی گذشته نقاط مثبتی در خود داشته اند اما نقایص و اشکالات آنها بیشتر از آن بوده است، به ویژه نحوهء برگزاری لویه جرگه و تصویب قانون توسط گویا نمایندگان ملت.

ما در اینجا با دو موضوع سروکار داریم که یکی متمم دیگر است. یکی قانون اساسی و دو دیگر لویه جرگه یا مجلس بزرگ نمایندگان مردم قانون هرچه باشد و هرقدر دقیق و عادلانه باشد، اگر مردم به آن باور و اعتماد نداشته باشند، امکان تطبیق آن کمتر خواهد بود. اعتماد مردم به قوانین دولتی و ملی وقتی حاصل می شود که مردم خود در ساختن ان سهم داشته باشند. وقتی مردم با نظامی همکاری و از آن پشتیبانی می کنند که از نقش و جایگاه خود در آن نظام مطمئین و قانع باشند. تنها در این صورت است که حکومت ها و کشور های قوی و مستحکم به میان می آیند.

در گذشته، حکامی که قدرت را نه با پشتیبانی مردم بلکه از راه زدوبندهای پشت پرده و توطئه ها وحتی با بر انگیختن تعصبات قومی و استفاده از یک قوم برای تسلط بر دیگران به دست می آوردند، برای مشروعیت بخشیدن به نظام و سلطهء خود دست به تدویر لویه جرگه هایی می زدند که در آن تنها اشخاص و افراد دلخواه خود شان شرکت می کردند و بر قوانین وشیوهء حکومت آنها مهر تایید می کوبیدند. نتیجه آن می شد که اکثریت قاطع ملت توسط عمال حکومت به انقیاد جبری کشانده می شدند و از همین جاست که میان ملت و حکومت فاصله یی هزار ساله ایجاد می گردید. مردم حکومت را از خود ندانسته و چنان روحیه یی در مردم ایجاد می گردید که بگویند: "اگر از خانه سرکار (دولت) تیل چکید، در دامنت بگیر". سرکار یعنی دولت نزد مردم موجودی بود که باید از آن استفاده کرد و نه اینکه آن را کمک کرد ویا آن را از خود دانست.

مردم سادهء وطن تعریف مشخصی از منافع ملی ندارند. هنوز که هنوز است منافع ملی نزد بسیاری از سطح قبیله ویا در بهترین شکل آن از سطح منطقه و ملیت آن ها فراتر نمی رود. البته باید خاطر نشان ساخت که متأسفانه چنین درکی حتی در بسیاری از باسوادان جامعه و نکتایی سالاران ما نیز وجود ندارد.

در گذشته مردم در ساختن حکومت های خود سهمی نداشتند. از این رو هیچگونه مسوولیتی برای موفقیت حکومت و کمک به آن در خود احساس نمی کردند. وابستگی قومی حکومت باعث می گردید تا سایرین حکومت را متعلق به یک قوم به خصوص بدانند و خود را شهروند درجه دوم به حساب آورند. حتی در میان قوم حاکم، امتیازات به گونهء قبیلوی توزیع می گردید که باعث افتراق در میان آنها نیز می شد. زیرا خاندانی بودن حکومت ها باعث آن می شد که مردم حکومت رامال یک خاندان بدانند. اگر سرکوب ها و تبعیضات عدیده را در برابر اقوام مختلف کشور که از جانب عمال حکومتی اعمال می شد بر آن اضافه کنیم، تصویر کلی بافت سیاسی و اجتماعی چنان می شد که صرف یک خانواده، حاکم بر سرنوشت مردم بود و سایرین همه محض رعایای دعا گوی پنداشته می شدند و اختیاری درتعیین سرنوشت خویش نداشتند.

از همین سبب بود که وقتی علیه نظام شاهی کودتا می شود، همهء مردم به جاده ها می ریزند و تغییر نظام را جشن می گیرند. در این میان حتی چشمی هم برای نظام رفته، تر نمی شودچه رسدبه این که کسی از آن دفاع کند. نظامی که قوانین اساسی ولویه جرگه های کذایی آن را تایید کرده بود. عدم موجودیت نهاد هایی که از نظام و از رای و فیصله های مردم

ص۶

دپاکستان دسفیرښاغلي رستم شاه مهمند دمطبوعاتي کنفرانس په رڼا کې

دښه ګاونډیتوب په تمه

دحوت په ۲۵ مه په کابل کې د پاکستان د اسلامي جمهوريت سفير ښاغلي رستم شاه مهمند مطبوعاتي کنفرانس ته وویل: (دکراچي په بندر کې به د افغانستان د مالونو لپاره ځانګړي ځاي جوړ شي، او دپاکستان پولي ته نژدي سيمو ته به برېښنا ورکړل شي او هم ولسمشر کرزي چي د پاکستاني بنديانو د ازاديدو اعلان وکړ، ددي هرکلي کوو او هيله من يم چي دا عمليه ژر تر سره شي.)

پاکستان زموږ ګاونډ دي ، چي پاکستاني ولس د جهاد او هجرت په وخت کې له افغانستاني ولسه ننګه کړي، چي د ولسونو په سطحه به دا نيکي کله هم هيره نه شي، خو پاکستاني معلوم الحاله کړيو داسي اعمال تر سره کړي چي د يو نيك او ښه ګاونډ تمه تري تته شوي وه د ۱۳۷۱ کال نه د پروسږ کال د عقرب تر ۲۲ مي حالات يي ښه بيلګي دي.

داچي پاکستان د افغانستان له دولت نه ملاتړ کړي او د ترهګري پر ضد نړيوال ائتلاف کې شامل دي، نو کيداي شي چي د تيرو تيروتنو د جبيري لپاره په ربنتيا داسي اعمال تر سره کړي چي زموږ د ملت پري د ښه ګاونډ باور وشي، او دو روستي مصاحبي پر اساس د کراچي په بندر کې د لازمو اسانتياوو اعلانول يي يو خرك دي. زموږ هيله وه ، چي پاکستان له وخته په دي کار لاس پوري کړي واي، خو دا کار هغه وخت اعلانيږي چي هندوستان د ايران د چاه بهار بدر له لاري د زرنج او دلارام د لوي سړك دجوړولو ژمنه اعلان کړي. چي ښائي پاکستان له هغه سره په سيالي کې اوسني اعلان وکړموږ په بيارغاونهکي دهېوادونو د مثبتي سيالي پلو ي يو او ددغسي سيالو له لاري د ولسونو تر منځ ددوستي تنابونه ټينګيداي شي.

افغانستان له پاکستان سره دښه ګاونډ سياست پلوي دي او دجمعيت اسلامي افغانستان مشر او پخواني ولمشر استاد رباني په خپلو ويناوو کې پردي دريځ ټينګار کړي، خو په تاسف سره په زنداتونو کې دپاکستاني جنګي بنديانو شتون ديو بل په چارو کې د نه لاسوهني پر خلاف دريځ ښودونکي ده، افغانستان په خو ځو ځلي له پاکستان سره دښه ګاونډ په نيت بنديان خوشي کړي ، خو د پاکستان له اړخه په عمل کې دښه نيت د اعمالو د ترسره کيدو په تمه يو دا هغه بنديان دي چي زموږ دولس په وژنه کې يي لاس درلود.

او دښه ګاونډد اصولو پر خلاف او د نړيوالو قوانينو پر ضد يي زموږ د ولس پر وراندي وسله را اخستي وه ، خو بيا هم افغانستان له ټولو ناخوالو تير شو او په وار وار يي جو په جو په پاکستانيان خوشي کړل، په داسي حال کې چي په پاکستان کې زموږ بي شميره هيوادوال بنديان دي او هيله ده . چي د هغوي دخلاصون لپاره پاکستان پر عملي اقداماتو لاس پوري کړي.

داچي ښاغلي سفير پولي ته نژدي سيمو ته د برېښنا د ورکړي ژمنه اعلان کړه دا له انساني پلوه غوره اقدام دي خو دا بايد ووايو په کومو بريدونو کې چي پراته يو ، هماغه بايد مراعات شي او داسي ونه شي چي د برېښنا د سيمونو د غځولو په پلمه بريدونه تر پښولاندي شي چي دمثال په ډول دنړيوالو خبري اژانسونوله مخي دمهمندوپه سيمه کې وروستي کړني د انديښني وړ دي.

په هر صورت موږ دپاکستان له اسلامي جمهوريته غواړو، چي د يوي فعالي او رغندي پاليسي په عملي کولو سره زموږ له ويجاړ هيواد سره مرستي وکړي او په تيروتپونو ملهم کيدي او داموږ په ډاګه اعلانوو چي له هند سره زموږ د شو اړيکو لرل،ستاسي دځوروني لپاره نه دي بلکي موږ د خپلو ملي ګټو له مخي له هر هيواد سره چلن کوو او په سيمه کې د تفاهم، وروري او انساني ګډ ژوند غوښتونکي يو.

استاد پس از بازگشت از سفر حج در خطاب به مستقبلان در میدان هوایی کابل:

ملت ما در برابر چلنج جدیدی قرار گرفته است

بسم الله الرحمن الرحیم

برادران عزیز، بزرگان، قوماندانان، جوانان عزیز از همه شما که دراین روز ده محرم که یکی از روز های عمده در تاریخ اسلام می باشدبه این جا تشریف آوردید صمیمانه اظهار تشکر می نمایم. یقنیا ما ملت عظیم و بزرگی داریم. ملت قدر شناس ، ملت مقاوم، ملتی که در شرایط دشواربا مشکلات فراوان از آزادی و استقلال و دین وفرهنگ خود همیشه آماده دفاع و مقاومت بوده و از غرور ملی و ارزشهای دینی و هویت ملی خود مردانه دفاع کرده است. امیدوارم این تاریخ پر افتخار و روحیه ملی با ارزش ملت بزرگ افغانستان برای همیش نسل به نسل از بزرگان به نسل جوان واز امروز به فردا های دور انتقال کند.

در شرایط کنونی که باردگر ملت بزرگ ما دربرابر چلنج جدیدی از حیات سیاسی و تاریخی خود قرار گرفته است همه ما در جهت وحدت ملی، تامین امنیت و ثبات سیاسی و حفظ ارزشهای جهاد و مقاومت که یقیناً بزرگترین افتخار نه تنها برای مردم افغانستان بلکه برای همه بشریت است ، تلاش کنیم.

تاریخ نشان داد که ملت افغانستان در طول دوره های جهاد و مقاومت به عنوان سپاهیان صلح، مدافعان حق و آزادی و خیر و فضیلت از ارزشهای جهاد و امنیت کشور شان دفاع کردند.

مردم افغانستان در طول جهاد و مقاومت شان به خاطر امنیت جهان و به خاطرآزادی بشریت، به خاطر دفاع از حق و حقیقت تلفات سنگینی را متحمل شدند. شهرهای شان ویران شد، جوانان شان شهید شدند تا بلای تجاوز وویرانگری از افغانستان به کشور های دیگر سرایت نکند. مقاومت در برابر تجاوز اتحاد شوروی تامقاومت در برابر عناصر دهشت افگن همه اینها بیانگر این حقیقت است که مبارزه و جهاد و مقاومت مردم افغانستان همیشه بر حق بوده است. ما شاهد بودیم که بعد از پیروزی مردم ما در برابر تهاجم اتحاد شوروی منطق جهانی عوض شد و توجه جهان از افغانستان برگشت.

بعضاً مقوله ها و حرفهای نا درستی هم شنیده می شد، دفاع مقدس جبهه جهاد و مقاومت افغانستان در معیار قضاوت های ناحق مطبوعات جهان وسیاست مداران وارونه وغلط منعکس می شد.

به نام جنگ ملیت ها ، جنگ شمال و جنوب ، جنگ قدرت و نام های مختلفی یاد می شد. اما حوادث اخیر در جهان نشان داد که یقیناً این جنگ قدرت نبود، کشمکش میان شمال و جنوب نبود بلکه در یک سو وارثان حقیقی تا ریخ و دین و فرهنگ و آزادی واستقلال در افغانستان قرار داشتند و در سوی دگر جبهه جهل وتجاوز و مداخلات بیرونی علیه ملت ما در کشمکش بود. امروزباید نسل جوان ما به این حقیقت متوجه شوندکه حماسه های جهاد و مقاومت ارزش فراموش نا شدنی است.

اجازه نباید داد که موضعگیری های بیمارو منطق های وارونه وعناصری که دشمنان آزادی و استقلال و ارزش های اخلاقی و معنوی جامعه ما هستند، د ست آورد های بزرگ ملت ما را زیر سوال قرار بدهند. عناصری که اصلاً برای یک ساعت هم رنج بیخوابی را متحمل نشده اند. مردمانی که در دوره های مختلف چهره ها و قیافه های مختلفی می گرفتند. آنانی که روزی تجاوز های ننگین جبهات جهل و مداخله را با حرارت استقبال می کردند، چنین عناصر ی اگر از اخلاق و شجاعت مجاهدین مومن و وطن دوست استفاده کردند و امروز توانستند در محیطی پرامنی بسر ببرند، نباید گذشته های پر افتخار این ملت و گذشته های پر ارزش تاریخی سه دهه اخیر را فراموش کنند.

برادران عزیز! امروز روزدهم محرم یکی از روزهای عمده در تاریخ اسلام است. امروز برای مسلمان یک چرخش تا ریخی است. این چرخش عمده بیانگر این حقیقت است که مسلمانان زمانی که انحراف و فساد و دوری از ارزشهای دینی را ببینند ، آماده هرنوع قربانی هستند.

سید الشهدا حضرت امام حسین (رض) در شرایط سختی در برابر دسته های جبر و استبداد عظیم قیام کرد. این قیام به خاطر کسب قدرت و گرفتن دستگاه خلافت از یزید نبود، بلکه قیام به خاطر تثبیت خط اصیل اسلام بودکه ایشان دربرابرظلم و فساد وانحراف قد علم نمودند.

حضرت امام حسین (رض) خود، خانواده وتعداد معدودی از یاران هم سنگر خودرا در یک مبارزه نا برابر قرار داد تا درسی برای همه عصر ها و نسل ها باشد که مسلمان مخلص و صادق هرگز در برابر جبر و استبداد تسلیم نمی شود ومقاومت می کند.

زما ډیر گرانو خویندو او ورنو! زمونږ هیوادوال په او سنیو شرایطو کي امنیت ته ضرورت لري زه له تولو غوارم چي ملي وحدت ټینګ کړم او له یو بل سره په تعاون او مرسته پر ستونزو بر لاسي شو دښمنانو لاله پخوا په دي نامه چي فلاني تاجیك دي ، فلاني ازبك دي، فلاني پښتون دي، فلاني هزاره دي په دي او هڅه نامه یې ډیري هلي خلي وکړي.

زمونږ دښمنان کوښښ و کړ چي زمونږ په منځ کي اختلاف، کشمکش او دښمني را منځ ته کړي اما زمونږ هوښیار ، بیدار او دین دار قوم دي ته متوجه و چي دا خبره دافغانستان ددښمنانو توطئه او دسیسه ده او هیڅ کله مو نږ اجازه نه ورکوو چي د قوم . حزب اوډلي په نومه او دشمال او جنوب په نامه زمونږ په منځ کي اختلاف منځ ته راوړي کو ښښ و کړو چي ملي یووالي و ساتو، امنیت ټینګ کړو، خپل فرهنګ او تاریخ و ساتو او زه یقین لرم چي زمونږ خوان نسل، زمونږ مشران، زمونږ قوماندانان او زمونږ ټول وطنوال دملي یووالي ټینګښت ته متوجه دي.

برادران عزیز! جادارد تا از کربلای افغانستان و از شهید کربلای افغانستان ویاران همسنگر او از سپهسالار شهید انجنیر احمد شاه مسعود یاد نمایم.

به روح همه شهدای گلگون قبای افغانستان ودر رأس همه به روح شهید خونین قبای کشورمان سپهسالار انجنیر احمد شاه مسعود دعای مغفرت می طلبیم واز خداوند (ج) می خواهیم که به برکت خون شهدا آرمان ملت عظیم افغانستان و آرمان شهدای عزیز ما در حیات سیاسی و ملی و معنوی افغانستان عملاً تبارز بکند.

یک باردگر از همه شما قلباً اظهار سپاس و قدردانی می کنم.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

استاد برهان الدین ربانی با دیپلومات های...

سخنانی کوتاه برای همه میهمانان خیر مقدم گفت. سپس استاد ربانی رهبر جهاد ومقاومت سخنانی دراین جمع ابراز کردند و وظیفه دیپلومات ها را در شرایط کنونی خیلی ها مهم و با ارزش خوانده گفتند:

نقش شما برادران در شرایط فعلی بسیار مهم و با ارزش است و شما با اخلاق و استعداد و دلسوزیی که دارید رسالت تان را به خوبی انجام می دهید.

ما و شما ونسل کنونی افغانستان با تمام و جود قضایا و مسایل مختلفی را که در کشور مان طی سه دهه گذشت، لمس کردیم، تجارب مختلف ، کشمکش های مختلف ، تضاد ها و بازی های مختلف سیاسی و مصالح مختلف کشورهای همسایه ما اینها همه دست به دست همدیگر دادند مشکلات زیادی در کشور ما بروز کرد.

استاد در باره تروریزم در سطح بین المللی روشنی انداخته گفتند: این مسأله کاملاً روشن است که تروریزم به دین وملیت و وطن به خصوص بستگی ندارد، تروریست هر جا که باشد تروریست است.

استاد در اخیر صحبت شان گفتند: باید کوشش کنیم و دست به دست هم دهیم تا حکومت قوی و قدرتمند داشته باشیم و این آزادی مال همه مردم افغانستان است. هرگاه حکومتی متزلزل داشته باشیم و آن مشکلات داشته باشد در این صورت تنها مشکل نظام نیست بلکه مشکل کل ملت است.

بعداً آقای شیرزوی معین سیاسی وزارت امور خارجه، بعد از ابراز سپاس از صحبت های عالمانه و پرمحتوای استاد گفت: مردم افغانستان در طی ۲۳ سال زحمات و تلفات و بدبختی های زیادی را متقبل شدند و تا حدی امروز هم به آن مقابل هستند.

امروز که ۲۳ سال جنگ را پشت سر گذاشته ایم باید کشور خود را بسازیم وروی برنامه های طرح شده زحمت بکشیم و کار کنیم که واقعاً افکار مردم بیچاره را که هنوز نا امید هستند به طرف خود و به سوی امید بکشانیم.

گفتنی است که متن کامل سخنان استاد در این ضیافت در شماره« آینده خواهد آمد.

رئیس جمهور کرزی به استنطاق ما...

"آقای کرزی مجلس مباحثه با کمیته روابط خارجی سنای امریکا را با نا راحتی ترک کرد و به ویژه بالای اسحق شهریار سفیر افغانستان در امریکا بر آشفته بود." بدین ترتیب ملاحظه می کنیم که در برابر رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان بدترین نوع برخورد ممکن،صورت گرفته است.

سناتوران ایالات متحده نباید به چنان اقدامی دست می یازیدند که می تواند اعتماد ملت مسلمان و جامعه« حساس ودردمند افغانستان را خدشه دار نموده، روابط و مناسبات متقابل بین کشورها و دول و حکومات دارای سیستم های متفاوت را به گونه« بسیار زشت و زیانبار تمثیل نماید.

برای سناتوران امریکایی و دولتمردان این کشور، باید رعایت تمام اصل ها و موازین روابط متقابل و مناسبات بین الدول، در همه« زمینه ها قابل رعایت و احترام باشد.

افغانستان دارای حاکمیت ملی بوده با هر کشوری بر مبنای روابط متقابل ومنافع متقابل، دارای علایق و مناسبات لازم می باشد و جز این دستوردیگری نمی تواند و نباید بر روابط و مناسبات موجودومتاقابل سایه اندازد.

اما پهلوی دیگری در این درامه« به اجرا در آمدن، نقش مسوولان سفارت افغانستان در واشنگتن است، که چرا به یک چنین برخورد اهانت آمیز نسبت به رئیس دولت متبوع خویش موافقه« قبلی نموده و خود را در جهت خلاف منافع و حیثیت ملی مردم افغانستان قرار داده اند.

برای کار گزاران عرصه« سیاست خارجی کشور قابل دقت و تأمل است که در جهت توظیف فعالان سیاست خارجی افغانستان با دید ژرف اندیشانه تری نگاه کنند و رعایت اصل های اساسی مدیریت را به هر قیمتی که باشد مورد اجرا بگذارند.

اما این توقع از جناب کرزی انتظار برده می شد که چرا همزمان با ملاحظه« وضعیت آنچنانی در مجلس سنای امریکا، صحنه را به رسم احتجاج ترک نکرد.

تاریخچه استفاده از...

اتحاد شوروی سابق بر تمام قطعنامه های که گویا مخالف سوسیالیزم و دیموکراسی نوین ویا متوجه اروپای شرقی بود از حق ویتوی خویش استفاده کرد همچنان ایالات متحده امریکا تمام قطعنامه های سازمان ملل که سیاست های وحشیانه اسرائیل علیه فلسطینیان را محکوم می نمود از حق ویتوی خود استفاده نموده است.

از سوی دیگر حتی عده یی از قطعنامه ها که حمایت تمام اعضای شورای امنیت را داشته و تصویب گردیده است در عمل هیچگاه به منصه اجرا گذاشته نه شده است.

و همچنان پنج کشور دارای حق ویتو به هیچ وجه نمی تواند از تمام کشورهای جهان نمایندگی کند و اضرار ویا منافع ایشان را در نظر گرفته و مطابق آن عمل کند.

آندری گرومیکو وزیر خارجه اتحاد شوروی وقت ویا آقای "من مخالفم" از سال ۱۹۵۷ تا ۱۹۸۵ بیشترین رای مخالف را به قطعنامه ها داد. از ۱۹۴۵ تا ۱۹۵۵ شوروی وقت ۷۹ بار، چین یک بار و فرانسه دوبار از حق ویتو استفاده کرده و امریکا و انگلستان هرگز از آن در آن دوره استفاده نکردند.

امریکا برای اولین بار در ماه مارچ ۱۹۷۰ از حق ویتو استفاده کرد، امریکا با این عمل و با حمایت انگلستان از قطعنامه« در باره سرزمینی که قرار بود بعداً به زیمبابوی بدل شود، جلوگیری نمودند.

امریکا در مجموع تا کنون پیش نویس ۳۵ قطعنامه در باره اسرائیل، و ده قطعنامه در انتقاد از افریقای جنوبی را ویتو کرده است امریکا به تنهایی در مجموع ۵۳ قطعنامه را ویتو کرده است.

اما انگلستان تاکنون ۳۲ بار، که در ۲۳ مورد یکجا باامریکا، قطعنامه های ملل متحد را ویتو کرده است و هفت بار به تنهایی و آخرین بار در سال ۱۹۷۲ به طور انفرادی از حق ویتو استفاده کرده است.

فرانسه تا کنون ۱۸ بار که ۱۴ مورد آن به اتفاق امریکا وانگلستان از حق ویتو استفاده نموده است.

فرانسه تا کنون دو بار به طور انفرادی قطعنامه های شورای امنیت را ویتو کرده و اعلان نموده است اگر امریکا و انگلستان قطعنامه یی را مبنی بر آغاز جنگ علیه عراق به آن شورا پیشکش کنند برای سومین بار در تاریخ آن کشور از حق ویتو به طور انفرادی استفاده خواهد کرد.

اما کرسی چین که از سال ۱۹۴۶ الی ۱۹۷۱ توسط تایوان (جمهوری چین) اشغال شده بود تنها یک بار از حق ویتو برای رد کردن تقاضای عضویت مغلستان استفاده، کرد همچنان چین در سال ۱۹۷۲ دو قطعنامه یکی برای رد درخواست عضویت بنگله دیش و دیگری به اتفاق روسیه در مورد وضعیت خاور میانه را رد نمود. چین به همین قسم یک قطعنامه را در سال ۱۹۹۹ مبنی بر تمدید اختیارات نیروهای باز دارنده سازمان ملل متحد در مقدونیه و در سال ۱۹۹۷ قطعنامه دیگر را که هدف آن اعزام ۱۵۵ ناظر سازمان ملل متحد به گواتیمالا برای تایید اجرای آتش بس بود، رد نموده است.

خالده فروغ

ای آفتاب

صدایت را به من هدیه کن
مردابهای خسته از توقف
درخویش دست وپا میزنند
وحقارت می آشامند
مردابها را دیده ام
لبریز از هذیان
سایه آلود
شاید نمی توانم پندار آفتاب شوم
اگرچه کشتی چشمانم
از کرانه های ابتذال
باد بان نمی افرازد
رفتن من زنجیرها را به همآوردی می خواند
رفتن من با نهنگهای گوهر خوار
درستیزه است
دلم را پیوند بزن
به شاخه های آزادی
بیداری تو کهکشان است
اما من زمینی هستم
با مردمانی که شبیخون خواب
تسخیر شان کرده است
همزمانم
همنیا کانم
پروانه های تشنهء آتش را
در انبوه ملخزاران جستجو میکنم
از کوچهٔ زنبورهایی که در پروازسطحی شان
عقده رنگ سوخته یی دارد
دیگر بایسته است
آتشناکتر زبانی
که صاعقه از آن
خشم دریوزه کند
ای آفتاب!
صدایت را به من هدیه کن.

شاعر او لیکوال ځول دي او څه غواړي؟

زکوخیل

لیکوال له ټولنی او ټولنیز چاپیریال سره نه شلیدونکي اړیکي لري اوتري اغیزمن کیږي . دااغیزي له لیکوال سره دیو احساس دپیدا کیدو سبب ګرځي . په دي شیبو کي لیکوال او شاعر غواړي خپل اغیزمن احساس دقلم په ژبه ولس ته ا نځور کړي. هغه کوي چي دټولنیز ژوند بریاوي، خوښي،نا خوالي، نیمګړتیاوي، غمونه اودردونه، چي دده احساس یي اغیزمن کړي خپل ولس ته په ګوته کړي .

لیکوال زما په اند1 دنده لري چي دوخت او شرایطو په پام کي نیولو سره دهغه پیښو عامل هم څرګند کړي چي د ده احساس یي اغیزمن کړي دي. او هم یي درغولود لارو چارو په باب څرګندوني وکړي.

ددي له پاره چي لیکوال یا شاعر مو ښه پیژندلي وي: څوارو چي دلیکوال څرګندونو ته دټول په سترګه وګورو اوویي ارزو، نو دځینو پوهانو او نقادانو په نظر لاندي ټکي باید له پامه ونه غورځول شي.

الف . دلیکوال او شاعر ځانګړي یاشخصي ژوند او چاپیریال ته ځانګړي پاملرنه وشي.

ب. دهغي موضوع یا ژانر، چي شاعر او لیکوال ورباندي خبري کوي ځانګړي شرایط او چاپیریال، دوخت له غوښتنو سره دهغي سمون. دموضوع یا ژانر بکر والي اوتویوالي، هغه انګیزه، چي لیکوال یا شاعریي دي ډول څرګندونو ته اړکړیدي له، لیکني څخه دلیکوال موخه، په ټولنیزژوند کي د هغي اغیزي اوګټورتوب له پامه ونه غورځول شي.

مسلمانان په دي پوهیږي او په دي ایمان او عقیده لري چي: ټول انسانان لوي خداي(ج) پیدا کړي او دهغه لوي ذات مخلوق دي اودلوي خدا(ج) پردي مخلوق (انسان) ټري،ټولنه او چاپیریال مستقیمي اغیزي لري او دهغه په وده اوتکامل کي مهم اوارزښتناك رول لوبوي .له دي امله غواړي چي دځان، ټولني اوچاپیریال په ګټه یو بدلون رامنځته کړي.

پوهان وایي. چي انسان دخپلي ټولني او چاپیریال جوړونکي دي له دي امله دخپلي ټولني او چاپیریال دسمون له پاره هڅه کوي.

انسان نه شي کولاي له خپلي ټولني اوچاپیریال سره اړیکي وشلوي، که چیري داکار وکړي نو بیا ژوند نه شي کولاي .له دي امله پوهان دي پایلي ته رسیدلي دي، چي هنرمند یا شاعر اولیکوال دداسي یوي قانونمندي تابع دي.

ځیني پوهان عقیده لري چي(داسي ټولنه نه شوپیدا کولي چي په هغي کي دهنر ځوك نه وي.) انسان په طبیعي ډول هنرمند پیداشوي او دخپل احساس دڅرګندولو له پاره هلي ځلي کوي.

یوناني پوهانو هنر د(خیر او فلاح) پر معنا هم کارولي دي اوځیني بیا په دي عقیده دي چي(هنر وسیله نه ده بلکه هدف او موخه ده)

د دي له پاره چي له خپلي موضوع لري ولاړنه شو خپلي خبري ته راستنیږو، چي دشاعر پرلیکنه اودهغه دریځ مود مطلب اصلي ټکي دي.

پوښتنه پیداکیږي چي موږ ولي شاعر اولیکوال ته دهنرمند نسبت کوو اوهغه دهنرمند په نوم یادوو؟

په ځواب کي باید وویل شي، چي شاعر او لیکوال هم لکه دیوي تابلو جوړ ونکي اورسام په شان دي. کله چي یو رسام ښکلي طبیعي مناظر رسموي زیارباسي چي په هغه کي په زړه پوري رنګونه وکاروي، روښانه اوتیارو برخوته یي ځانګړي پاملرنه وکړي ترڅو داسي تابلو انځور کړي چي دهر لیدونکي پام ځانته راواړوي.

لیکوال او شاعر هم دي ته ورته دنده ترسره کوي. په خپلو لیکنو کي زیارباسي او هڅه کوي چي داسي لغاتونه او کلمات سره څنګ پرڅنګ وکاروي چي له هغي څخه هغسي غونډلي(جملي) اوپاراګرافونه جوړکړي چي لوستنکي دي ته اړشي چي هغه په مینه ولولي اوله لیکني یي هغه څه ترلاسه کړي، چي لیکوال یا شاعر غواړي هغه خپلو پرګنو ته ولیږدوي. موخه یي دټولنیزو نیمګړتیاوو پوره کول اودخپل چاپیریال سمول وي اوبس.

شاعریا لیکوال ته ضروري خبره داده چي دخپلي ټولني بریاوي اوپرمختګونه، خوښي اوخوشحالي دپرګنو اودخپل ولس غوښتنه اوارمانونه دوخت اوشرایطو په پام کي نیولو سره بي پري(پلوي) له هرډول ذهنیګیري او تعصب پرته په ګوته کړي، لکه چي دپوهانو په نظر انسان دټولني او چاپیریال جوړونکي دي، نو شاعر او لیکوال باید دي ته خیرشي، چي زه دټولني مخکښ انسان یم انو هیڅکله به داسي ګام نه پورته کوي ، چي خداي(ج) مه کړه هغه د ټولني اوټولنیز ژوند اوبالاخره دپرګنو په زیان تمام شي. شاعر اولیکوال ته لازمه ده چي خپلي لیکني په زیر کي سره هسي سمبال کړي، چي وکولاي شي دپورتنیو دوه ګونو صفتونو ویاړتر لاسه کړي. دپام وړخبره ده، چي شاعر اولیکوال نوي اوبکر مسایل غوره کړي او څه ورباندي ولیکي، هغسي څه ورباندي ولیکي. چي هنري اوادبي ښکلا یي خپله کړي. دخپلي ټولني له مذهبي عقایدو ،اسلامي ارشاداتو، دود، دستور، فرهنګ اوکلتور سره سمون ولري اوبس.

نگاهی بر کتاب

اینک خورشید از غرب طلوع می کند

خاطراتی ازغربی های تازه به اسلام گرویده جالب ترین بخش این اثر است

در اولین نگاه عنوان کتاب وطرح روی جلد کتاب تداعی کنندهٔ مفاهیم سترگی می توانند باشند.

محتوای متن کتاب نیز، در کیفیت از اینها کمی ندارد .

مؤلف کتاب خانم مظفر حلیم زنی است دانشمند ویکی از مسلمانانی است که بخش زیادی از زندگی خودرا وقف دعوت ورسیدگی به امور مسلمانان در امریکا نموده است .

از لحن نوشتار دوشیزه بتی باومن ، همکارش در تألیف وچاپ این کتاب گران قیمت نمایان است که بزرگواری ومهربانی اش اورا به مادری مهربان برای نو مسلمانان مبدل نموده است .

دیباچهٔ"دکتر رابرت نیکسون کرین" مشاور سیاسی ریچارد نیکسون رئیس جمهور پیشین امریکا که فعلاً ریاست مطالعات استراتیژیک مؤسسه اسلامی "سانتای نیو مکسیکو" را به عهده دارد بر اعتبار این کتاب افزوده است، این دانشمند با دید متخصصانه ضمن اظهار نظر در مورد کتاب ، مشکلات دعوت وزندگی مسلمانان امریکا را در جملات فشرده یی بازگو نموده است

این کتاب توسط آقای عبدالعزیز ویسی از انگلیسی به فارسی بر گردان شده وبه همت نشر احسان در ۳۵۹ صفحه با قطع وصحافت مرغوب به زیور چاپ آراسته گردیده است. اصل انگلیسی کتاب در چهار بخش تدوین یافته است که بخش آخر آن مشتمل بر ترجمهٔ سوره هایی از قران مجید وطرز ادای نمازو فشرده یی از زندگی پیامبر (ص) است، اما از ترجمهٔ این بخش نظر به تکراری بودن موضوعات آن برای فارسی زبانان صرفنظر شده است بخش اول در ۲۱ فصل حاوی مصاحبه [illegible] بسیار جالب وارزندهٔ از [illegible] اسلام گرویدگان است [illegible] محیط غربی تولید یافته [illegible] اند .

[illegible] خواننده به [illegible] به علت [illegible]

آن تا حد ود زیادی با در نظر داشت جوامع غربی آگاهی می یابد . بخش دوم کتاب که از فصل ۲۲ تا فصل۲۸ را در بر می گیرد ، انعکاس دهندهٔ زحمات وتلاش های دعوت گرانی ست که از سایت های انترنت در راه پخش آیین شان استفاده خوبی کرده اند، دراین بخش که اکثراً به سوالات مطرح شده توسط مؤلف کتاب وهمکارانش از طریق انترنت پخش گردیده بوده،جواب های دلنشین داده شده است ، گاهگاهی نیز سر گذشت های واقعی ودلچسپ انسان هایی در تلاش یافتن راه، آنها را به تجربه گرفته اند ،بر فطری بودن آیین اسلام وجواب گویی آن به نیازهای مادی ومعنوی درهمه زمان ها صحه می گذارد.

در بسا موارد انسان گم کرده راه با تلاشهای شبا روزی به مرحله یی از خدا جویی رسیده است که به مجرد آشنایی با اسلام خودرا مسلمان یافته است، [illegible] که اکثر دانشمندان فرهیخته یی اند وپس از سیر وسفر در مسیحیت، بودیزم و... یکی از آنها را با روح خود سازگار نیافته وتنها اسلام را پا سخگوی نیازهای فطری خود در یافته اند.

بخش سوم کتاب را که "پس گفتار" نامیده اند، فصلی از یک کتاب معتبر آقای داکتر رابرت دیکسون کرین است، تحت عنوان:

"درجستجوی عدالت واخلاق دواصل بنیادین اسلام" است.

آقای دکتر دیکسون کرین که خود مردی است دانشمند وسیاست دان وحقوق دان بزرگ علاوه برپرداختن به بحث در پیرامون مسأله بالا، بر ارکان پنجگانهٔ اسلام نیز روشنی متخصصانه یی افگنده است.

ناگفته نماند که مقدمات مترجم وه مؤلف ودانشمندان هر کدام به نوبهٔ خود پلکانی ست در راه باز گویی متن .مادر حالیکه به خانم مظفر حلیم ودوشیزه بتی باومن "بتول"وآقای عبدالعزیز ویسی طراح روی جلد توفیقات بیشتری در امر نشر وپخش این فرهنگ والای اسلامی مان راخواهانیم مطالعهٔ این کتاب رابرهمه دعوت گران مسلمانی که می خواهند درراه اسلام گام های استواربردارند توصیه می نماییم .

صایب تبریزی

بهار موشگافان

از دل پرخون بلبل کی خبردارد بهار
هرطرف چون لاله صد خونین جگر دارد بهار
از قماش پیرهن غافل زیوسف گشته اند
شکوه ها از مردم کوته نظر دارد بهار
هر زبان سبزهٔ او ترجمان دیگر است
از ضمیر خاکیان یکسر خبردارد بهار
نالهٔ بلبل کجا از خواب بیدارش کند
بالش نرمیکه از گل زیر سردارد بهار
از برای موشگافان در رگ هر سنبلی
معنی پیچیده چون موی کمر دارد بهار
بسکه میبالد زشوق عالم بالا بخود
خاک را نزدیک شد از جای بردارد بهار
قاصد مکتوب ما صائب همان مکتوب ماست
از شگوفه نافه های نامه بردارد بهار

یک نگاه به زندگی

ملا شاه ارگسایی معروف به بدخشی

پوهاند دکتر عبدالقیوم قویم

به سمت شرقی شهر چاه آب، در دامنه کوه روستایی قرار دارد که آن را "ارگسا" (Argasa) می گویند. این قریه از شهر چاه آب فاصله‌ء چندانی ندارد و دارای آب و هوای گوارا، منظر زیبا، چشمه های پر آب و مشرف به تاکستان هاست.

از این روستا در مقاطع مختلف زمانی، عالمان، فاضلان و متصوفانی برخاسته و بساط معارف اسلامی و تصوف وطریقت را گسترده و رهروان دانش و معرفت در محضر آنان به تلمذ نشسته اند.

یکی از این عالمان و متصوفان ابوالمجد مولانا شاه یا ملاشاه محمد ملقب به لسان الله (تاریخ ادبیات افغانستان، قسمت چهارم، مؤلف محمد ابراهیم صفا، ص۲۹۸) فرزند آخوند ملا عبدی بود (سید مخدوم رهین پیشگفتار حسنات العارفین تألیف محمد دارا شکوه، تهران ۱۳۵۲، حلاشیه‌ء ص ص۱۲-۱۳).

ملا شاه در قریه‌ء ارگسای شهر چاه آب که در زمان وی از لحاظ تشکیلات اداری، از توابع رستاق بود و رستاق خود از توابع بدخشان به حساب می رفت، تولد یافت.

به همین سبب عبدالحکیم ولوالجی (رستاقی)، در تذکره‌ء چراغ انجمن، او را رستاقی گفته و در بعضی ماخذ دیگر انتسابش به بدخشان مسجل گردیده است و از آن جاییکه در زمان ملا شاه، قریه‌ء ارگسا و شهر چاه آب شهرتی چندان نداشت، به همین سبب تذکره نویسان او را بدخشی خواندند و او نیز خود را به بدخشان که یک خطه‌ء شناخته شده و معروف بود، با افتخار منسوب دانست، چنان که وقتی که در کوه ماران کشمیر حیات به سر می برد خود را به لعل بدخشان تشبیه کرده، گفته بود:

کوه ماران به کمر لعل بدخشان دارد
اینچنین بخت کجاتخت سلیمان دارد

از تاریخ تولد ملاشاه، ظاهراً معلوماتی در دست نیست. طوری که از نام پدرش آخوند ملا عبدی بر می آید، وی آوان کودکی را در دامان یک خانواده‌ء با معرفت و به ویژه در تحت تربیت یک پدر مطلع از معارف اسلامی، سپری کرده و طبعاً مبادی تعالیم اسلامی را از محضر وی فرا گرفته است.

ملا شاه در عنفوان جوانی از زادگاهش راهی هندوستان شده و در آن جا به کسب علوم و تصوف پرداخته است. برای وارد شدن به عالم تصوف، به حلقه‌ء مریدان مرشدی با اعتبار به نام میان میر از طریقه‌ء قادریه پیوست. میان میر در زمان شاه جهان از پادشاهان مغولی هند، در کشمیر زندگی می کرد. شاه جهان و دارا شکوه، از ارادتمندان او بودند. دارا شکوه همچنان که به میان میر ارادت داشت، به ملا شاه نیز ارادت می ورزید.

ملا شاه مدت سی سال تحت نظر میان میر به ریاضت و عبادت پرداخت و در تصوف کارش به جایی رسید که از همه مریدان این پیر طریقت، در معاملت و مجاهدت برتری یافت و بعد از وفات مرشد خویش به جانشینی او نایل آمد.

ملا شاه در بیان معرفت و تذکیر پایگاه بلندی داشت. گویند سی سال تمام از خواب و استراحت دست کشید. او همیشه در حالت بسط و گشادگی به سر می برد. از آثار و اشعارش می توان فهمید که او در علوم معقول و منقول تبحر داشت و در این موارد به مقام استادی رسیده بود. در سرودن شعر نیز توانایی داشت و در اشعارش "شاه" تخلص می کرد. شعر هایش نمودار مستی و شوریدگی است و در آنها درد درون با دین وپارسایی و پرهیز گاری آمیخته است.

در اشعار ملا شاه اصطلاحات و معانی دینی وعرفانی به کثرت وارد شده است. اشعار او دلپذیری، لطف و آراستگی دارد. ملاشاه دیوانی مشتمل بر غزلیات و رباعیات دارد که حاوی پنجاه هزار بیت است (رضا قلی هدایت، ریاض العارفین، ص۱۵۲). او صاحب چند مثنوی نیز بوده و به قول عبدالحکیم ولوالجی در تذکره‌ء چراغ انجمن، در هر مثنوی از بحری به بحری می رود و رعایت قافیه را چندان نمی کند.

نسخه‌ء خطی کلیات دیوان ملاشاه، حاوی غزلیات، رباعیات و مثنویات، در کتابخانه‌ء پوهنتون پنجاب موجود است (سید مخدوم رهین پیشگفتار حسنات العارفین، حاشیه‌ء ص ص۱۲-۱۳). نگارنده‌ء این سطور مکروفیلم نسخ‌ء خطی دیوان ملا شاه را هنگام تحصیلش در دانشگاه تهران، در کتابخانه‌ء مرکزی آن دانشگاه دیده و از آن یاد داشت هایی برداشته بود. معلوم نیست که این مکروفیلم المثنای نسخه‌ء خطی کلیات دیوان ملا شاه محفوظ در کتابخانه‌ء پوهنتون پنجاب است یا خیر؟ تا زمانی که مقارنه و مقایسه‌ء آن ها صورت نگیرد، نمی توان در مورد همسانی یا عدم همسانی آن ها حکمی صادر کرد. به هر حال اگر قرار باشد متن انتقادی دیوان ملا شاه فراهم آید، باید به این مقایسه مبادرت ورزید.

اشعار ملا شاه آمیخته با موضوعات تصوفی است و در آن سوز و گداز عارفانه با استادی تمام باز تاب یافته است. به نظر او نغمه یی که از لب قمری و بلبل می تراود به هم تفاوت ندارد، زیرا آن ها بر مبنای قانون وفا می سرایند، بنا بر آن آواز هایی که بر همین مبنا بر می خیزد با هم تباینی ندارد:

یک نغمه تراود زلب قمری وبلبل
قانون وفا مختلف آواز نباشد

در ابیات دیگر به دل و راز نهان آن توجه دارد و به مخاطب خویش حالی می دارد که باید خود را از چگونگی عالم راز نهان دل باخبر سازد:

ای بیخبر ز عالم راز نهان دل
روزی شود ترا که شوی همزبان دل
پیوسته شد ز آفت صیاد در نجات
مرغی که جا گرفت در آن آشیان دل

بعضی از متصوفین بر این نظر بودند که آنچه را که در تصوف می توان یافت باید آن را پوشیده داشت و به هر کس اظهار نکرد، اما ملا شاه در این راستا نظر دیگر دارد، بدین نهج:

آخر یابد هر که زصدقش جوید
تخمی که بجا فتاد آخر روید
گویند که هر که یافت حرفی نزند
نی نی غلط است هر که یابد گوید

ملا شاه در اشعار خویش شطحیاتی هم دارد. داراشکوه مرید ملاشاه در بیست و هشتمین سال عمرش کتاب سکینة الاولیا را در احوال میان میر مرشد ملا شاه و خود ملا شاه و پیروان و مریدان وی نوشت. همانطوری که شیخ شیرازی، روز بهان بقلی در شرح شطحیات، بیشتر از همه به حلاج پرداخته و او را بر سراسر این کتاب مشرف گردانیده است، داراشکوه، ملا شاه و شیخ میان میر را در سراسر این رساله در نظر دارد (پیشگفتار حسنات العارفین، حاشیه‌ء ص ص۱۲-۱۳) .

ملا شاه تفسیری نیز داشته که در هندوستان به تفسیر "ارگ شاهی" معروف بوده است که لابد مراد همان "ارگسایی" است. عبدالحکیم ولوالی نمونه یی ازنثر این تفسیر را چنین نقل کرده است:

"تفسیر درلغت روشن کردن است وپیدا وهویدا ساختن ودراصطلاح عبارت است از شرح وجوه ومعانی قران وواضح نمودن اخبار وقصص آن وباز نمودن اسباب نزول آیات ومورد آنچه متعلق به آن باشد ..." (به حواله‌ء محمد ابراهیم صفا، تاریخ ادبیات افغانستان، قسمت چهارم،ص۲۹۹)

گویند باری اورنگ زیب پادشاه مغولی هند، ازملا شاه خواست تا نزد وی بیاید، اما ملاشاه ازقبول این دستور امتناع ورزید، بالاخره صوبه دار اورا به اکراه برآورد،چون نزد اورنگ زیب رفت، بر او حکم شد که در لاهور زندگی کند .

بنا برآن ملاشاه کشمیر را باآنچه که از خانقاه ومریدان وخانه داشت ترک گفت ودرلاهور رحل اقامت افگند وبساط عرفان وارشاد رادر اینجا بگسترد وبالاخره درهمین شهر زندگی راپدرود گفت ودرهمینجا مدفون گردید .

قبر او اکنون درشهر لاهور معلوم است . تاریخ وفاتش را بعضاً سنه‌ء ۱۰۷۰ نوشته اند، اما مؤلف ریاض العارفین سال ۱۰۷۲ رامقرون به صحت انگاشته است .

طنز

نیکتایي

بشیر احمد حیدر

ددریشي اغستلوته مي ډير زړه کیده ، ماویل که په کوم دفتر کي دي وظیفه پیدا کړه؛ نو بیا به ددریشي اغستلو ښه بهانه په لاس درشي، خودوظیفي په موند لوېسي مي هم چنداني سرخوږي نه کاوه، او نه مي د خلکو په څیر هر لورته وربسي منډي وهلي. یوه ورځ مي د خپل کور تر مخ غوړ پیتاوي ته پښي غزولي وي ، چي یو دوست مي را پیښ شو، سلام یي واچاوه اوزماغوندي هغه هم دیوال ته ډډه ووهله، خبره تردي راورسیده، چي ولي د وظیفي لټه نه کوي، زما چي له پخوا دوظیفي پیدا کولو نیت و،نو دخپل ملګري په خبره نورهم وهڅیدم .

څو ورځي وروسته تر عریضو او منډو رامنډو وروسته په یوه دولتي اداره کي مقرر شوم، بله ورځ چي مي ملګري له مقرري خبر شو کورته راغي هم مبارکي شوه اوهم یي په مسکو شونډو راته وویل: یاره ماموریت خو بي دریشي خوند نه کوي اوکه یي نه اغوندي نو دراغوستل کیږي، بس په هغه سات مي ورته وویل، زه خو په دي خبرو نه پوهیږم، ته به راسره ځي چي دورځي په مود برابر شي واخلو. همدغسي له کوره ووتو، سیخ د لیلامیو پر بازار ورګډ شو، زما نو بیا بیله تبه ده چي زر مي شي نه خوښیږي، چي دپتلون رنګ به مي خوښ شو ، هغه به اوږدیا لوي و، بس یوه خو به یي لر له، یوخل مي یو پتلون واغوست ته به وایي چي جوال ته مي ځان واچاوه، ملګري او دلیلامیو ځرځونکیو دومره راپسي وخندل چي دلیلامیو په کوټه کي تیك پراته وو، ډیري پنډي مي وارولي راواړولي، اخیر مي یو پتلون خوښ شو، ملګري ته مي وویل یاره اوس نو یوه نیکټایي هم چي وي، ده وخندل اوس ددي خبرو وخت نه دي، چي یو څه دي وضعه برابره شي، خوزه له خپلي خبري نه اوښتم ، یو کمیس او یوه نیکټایي مي هم واخسته.

خو دنیکټایي دتړلو چل نه راته، همالته مي ملګري یو څه تمرین راباندي وکړ، دوه واري یي په غاړه کي راتاو کړ بیا به یي پخپله غاړه کي واچو له خو یو څه یي په چل پوه شوم، سبا چي دوظیفي له پاره تیاریدم نومي یو ساعت مخکي له دریشي سره اتهونه پیل کړل، له ځان سره مي ویل دا بلا دي په ټول ژوندي نه ده اغوستي، هسي نه چي څوك در باندي وخاندي، خو بیا به مي ځان ته یو څه تسلي ورکړه، څه دا ښار دي هرڅه ګډوډ دي دنرانو اوښځو جامي یوشان دي، په همدي چورتوکي مي دریشي واغوستله. دنیکټایي دتړلو وار راغي، دوه واري مي ترغاړي تاوه کړه چي کښ مي کړه ستوني مي بند شو. خو بیرته مي لرې سسته کړه، ساعت ته مي چي وکتل یاره یو ساعت مي په دي اتڼ وتلي و، عینکي مي پر سترګو کړي، ناوخته و،په منډه له کوره ووتم. دسړك پر غاړه ودریدم،دماموریتنودتګ وخت و، خلك پسي رازیاتیدل جوموټر درك نه درلود. یوه شیبه وروسته یو ملي بس راښکاره شو، چي په دروازو پسي یي خلك ځړیدلي وو، مونږ ته چي راورسیده لادریدلي نه و،چي ټولو ورمنډي کړي، خوپه دي کش او ګیر کي مي پر پایدان پښه کینوده، چي لاس مي وراوږد کړ دیو چا د کرتي جیب مي ونیو، په دي کي موټرهم روان شو، یو کس دشا له لوري لاس رااوږد کړاو زما نیکټایي یي ونیو له، چي کښ یي کړه ستوني مي بند شو. سترګي مي سري شوي، توخي واخستم، یوه چیغه مي له خولي ووته، پر پایدان ولاړ څو کسان مي دیکه کړل، یواځي دومره پوه شوم چي له څوکسانو سره پر ځمکه ولویدم، نه پوهیږم څو مره وخت به وتلي و،چي سترګي مي رڼي کړي د روغتون پر بستر پروت وم او تندي مي تړلي و.

په مهمندو کي دپاکستان وروستي ...

دغه سیمه له پخوادافغانستان دخاوري یو جز ده او دمیر حسن خان مومند په نامه دپخواني پاچاه محمد ظاهر پروخت په دغه سیمه کي دهغوي یور سمي استازي وو او دمومند چاري سمبالولي او بله داچي زمونږ خلك له افغانستان سره مینه لري ؛ ځکه زمونږځمکي دلته دي، حاصلات له دي ځایه خورو او هرڅه زمونږ له دي ځایه دي. بل خوادپاکستان پوځ او چارواکو دغه اقدام دګوشتني دولسوالي دخلکو او چار واکو غبرګون را پارولي دي. دولسوالي امنیه قوماندان محترم سمون وال سید عمر پهلوان وایي: مهمند نه غواړي چي له پاکستان سره یو ځاي شي خود پاکستان پوځ دافغانستان له ترینګلو حالاتو څخه ګته پورته کوي. نیمائي مهمند زمونږ خپل دي او دغه سړك چي پاکستاني چاروکوبي ددغي سیمي په بدل کي دبیا رغاوني ژمنه کړي داخو دافغانستان دي او پر دي باندي مو مصرفونه کړي او بیا یي هم ورباندي کوو.

اونه هم دمهمند و تیکو نو اوپلرونو دابي غیرتي کړي او نه هم مونږ خائنان یو چي خپله خاوره خرڅه کړو. سید عمر پهلوان زیاتوي که چیرته دمرکزي دولت او یا د ننګر هار دچارواکو مروشي نو خپل ځواکونه به هلته ورسو. په پاي کي د ګوشتي امنیه قوماندان وایي: مونږ په سیمه کي پاکستاني چارواکوته لیك استولي دي چي زمونږ خواته را تلاي شي او نه مونږ سړك پریږدو. نه دي ځان ژوبل کړي اونه مونږ بلخوا دننګر هار د لومړي قول اردو قوماندان حضرت علي دحوت په ۲۴ وویل چي په دي اړوند له مرکز سره تماس نیول شوي او ډیر ژربه زمونږ رسمي دریځ اعلان شي.

به بهانه بیست وچهارم حوت روز قیام خونین مردم هرات

هرات دریایی از خون و آسمانی از عزت

اسحق فایز

یکی از خاطره های ماندگار و عبرت آمیز تاریخ معاصر افغانستان و مقاومت و جهاد مردم دلیرش، ایستادگی و قیام در برابر تجاوز و اشغال، ظلم و بیداد و بیگانه پرستی می باشد، که در آن میانه قیام و خیزش مردم دلاور و با فرهنگ هرات از جایگاه ویژه یی برخوردار است.



اسماعیل خان با تعداد از مجاهدان در دروان جهاد

روز ۲۴ حوت سال ۱۳۵۸ هجری خورشیدی، شهروندان عزیز هرات مصمم شدند، که یا در زیر چکمه های سربازان روس های اشغالگر دست های خود را بگذارند و لب فرو بندند یا مردانه طغیان کنند و با دست های خود عنان اختیار خود را به دست بگیرند و نقشی دیگر در تاریخ پر فراز و نشیب هرات باستان رقم زنند.

آری، هراتیان شجاع از هر سن وسالی و از مرد و زن، سحرگاه همان روز هنگامی که درخشش اشعه زرین خورشید کوی و برزن آن شهر پاک نهاد را در بر گرفت وتعدادی برای آخرین بار روی کودکان شان را بوسیدند و با دستان خالی به جاده های شهر مقاوم خود که دست رد بر اجانب و ایادی مزدور آن زده بود، پا نهادند وکربلای دیگر را در وسعت شهر صبور و دردمند خویش برپا داشتند.

این لشکر صدیق در حالی دست به قیام و خیزش زدند که مزدوران کمونست خلق و پرچم در زیر سایه حمایت ارتش متجاوز اتحاد شوروی وقت از باده» قدرت و اقتدار مست بودند و هرگز گمان آن را نداشتند، شهری که در آن پادگان های نظامی مجهز ارتش وفادار به ایشان وجود دارد یک باره و در یک زمان علیه آنان قرار بگیرد و در کمترین زمانی در زیر پای آنها به آتش تبدیل گردد.

هراتیان در این روز حماسه آفرین انتخاب خود را کرده و با سرازیر شدن در شهر و جاده های آن و با صدای تکبیر های رسا، کمونست ها و حامیان روسی شان را از خواب غفلت بیدار نمودند.

قیام کنندگان در همان آغاز کار اختیار سراسر شهر را در دست گرفتند و به زودی افسران و سربازان مسلمان پادگان های نظامی نیز در اعتراض به تجاوز ارتش سرخ به کشور شان شوریدند و به صفوف آنانی پیوستند که راه آزادی و استقلال وطن عزیز شان را برگزیده بودند.

نقطه اوج حماسه ماندگار هراتیان شجاع آن گاه آغاز شد که ارتشیان وابسته به رژیم کارمل و روسها، از زمین و هوا با هوا پیماهای جنگی و تانک های غول پیکر حریم حرمت مبارزان و قیام گران هراتی را در هم کوبیدند.

و فاجعه یی را آفریدند که تا جهان است، بر صحیفه» تاریخ ماندگار خواهد بود.



شهید صفی الله افضلی



شهید قوماندان علاوالدین

مردم دلاور، فداکار و ایثار گر هرات در این روز خونین و تکان دهنده اضافه از بیست هزار قربانی را ایثار راه آزادی و استقلال وطن عزیز شان کردند که هرگز ابعاد این قربانی در جاهای دیگر نظیر و مانندی نداشته است.

وقتی سیل شهروندان هراتی، با دُستهای خالی اعتراض خود را بر علیه اشغالگران تبارز دادند با عکس العمل خشن و غیر انسانی مواجه شدند که قلم از ذکر آن خاطره به خود می لرزد و آن را یارای تصویر گری آن رویدادها نیست.

تصورش را بکنید! دژخیمان مزدور رژیم، با تانک های غول پیکر به مصاف این دلاور مردان با اراده شتافتند، در حالی که ملجا و تکیه گاهی جز آستان رب العزت نداشتند. این تانکهای آهنین با آتش گلوله ها در میان جمعیتی که سراسر شهر را فرا گرفته بود فاجعه یی عظیم آفریدند تا آنجا که جاده های شهر از خون، پیکر شهدا و پاره های تن انسان های له شده در زیر زنجیر های تانک موج می زد و مو را بر اندام انسان راست می کرد.

آری! بسیاری از هراتیان دلیر آن روز دوباره به کنار خانواده های خود بر نگشتند و ثابت کردند که برای آنان زندگی در زیر سایه های خجلت بار سلطه» بیگانه چیزی نیست که آن را بپذیرند و ناگزیر در راه بر حق، بزرگترین و دیعه هستی را که همانا زندگیست هدیه» وطن عزیز شان کردند.

هرات و هراتیان آن روز در خون نشستند. آفتاب آن روز خجلت زده می نمود که چرا به چنین "روز"ی تابیده است. جاده ها از وحشت در زیر چکمه های خون آلود دژخیمان می نالید و در دور دست ها زمین دهن باز کرده بود تا پیکرهای دریده» مقاومتگران شهرش را در خود جا دهد.

هراتیان دلاور در آن روز شرفنامه بزرگ اعتبار خود را نوشتند تا فرزندان شان در تاریخی که آمدنیست آن را برگ گردانی کنند وبه آن فخر ومباهات ورزند.

قیام خونین مردم قهرمان و صادق هرات نه تنها فصلنامه وزین تاریخ معاصر هراتیان است که بهره یی از افتخارات مردم افغانستان نیز می باشد. درپایان این یادنامه از انصاف به دور خواهد بود اگر یادی از یکی از فرزندان شهیر هرات که ورطه های هول واضطراب، آتش و طوفان و جزر و مدهای این سه دهه را گذشتانده، و آن روز علمبردار این قیام خونین بود، نکنیم، از دلاور مرد بزرگ اسماعیل خان.

درود و رحمت به همه آنانی که در آن روز جان دادند ولی شراقت و عزت را رها نکردند.

قانون اساسی و لویه جرگهٔ ...

دفاع به عمل آورد باعث گردید که محمد داوود خان در یک همکاری و مشوره با چند ضابط و خرد ضابط نظام شاهی را سقوط دهد و خود بز اریکه» قدرت تکیه زند. شورا را منحل کند، خود هم کوزه شود و هم کوزه گر. به همین ترتیب وقتی نظام جمهوری توسط نظامیان کمونست سرنگون می شود و محمد داوود با بیست و سه نفر از اعضای خانواده اش به طور فجیعی به قتل می رسد، باز هم از میان مردم کسی نیست که بر این کشتگان واین فاجعه اشک ماتم بریزد. بلکه عامه» مردم تا روشن شدن طبیعت اصلی کودتاچیان کمونست از نظام جدید، تنها به خاطر پایان "آخرین بقایای" نظام گذشته خوشحال بودند و نفس به راحت کشیدند.

چرا پاکستانی ها توانستند توسط خود افغانها افغانستان را طوری خراب و برباد کنند و آن هم طوری که حتی با سوادترین اشخاص عامل ویرانی وطن را مجاهدین بدانند. در این شکی نیست که برخی از مجاهدین وسیله قرار گرفتند، اما این ها صرفاً وسیله بودند. ویرانگران اصلی خارجی ها و دشمنان در کمین نشسته» کشور ما بودند. زمانی هم با استفاده از همین مشکلی که ما افغان ها در جامعه» خود داشتیم، پاکستان برای تطبیق برنامه های استعماری و دشمنانه» خویش، یک عده افراد مغزشویی شده و مزدور را به نام طالب و دامن زدن به مسألهٔ قومی را ایجاد کرد و آن ها را در کشور ما به قدرت رساند. این گروه با وجود نام و شعارهای اسلامی یی که داشت بر خلاف تمام موازین و تعالیم اسلام، به کشتاروقتل عام تحقیر و توهین مردم ما دست می یازید و یک قوم را توسط قوم دیگر سرکوب می کرد. زمانی که اکثریت مردم کشور زیر چکمه های ظلم و وحشت طالبی و القاعده وزیر نظر افسران ارتش بیگانه سرکوب و شکنجه می شدند، بخش دیگری از مردم کشور ما حتی خم به ابرو نمی آوردند وحتی با سوادانی را می شناسیم که باوجود ادعای روشنفکری ومترقی بودن صرفاً به خاطر عقده های برتری جویی قومی نظام طالبان را با همه وحشت و بربریت شان تایید می کردند ودر صدد همکاری با آن ها بودند. البته طالبان هیچ گاهی کرنش و سلام این عده را به پشیزی نخریدند.

بلی خارجی هایی که دشمن ما هستند به خوبی می دانند که از کدام زاویه تبر به ریشه» هستی ما بزنند.

راز موفقیت آن ها چه بود؟ فقط این نکته» بسیار ساده که مردم ما هنوز به آن سطحی از وحدت ملی نرسیده بودند که بتوانند منافع ملی خویش را درک کنند. مردم ساده» وطن تعریف مشخصی از منافع ملی ندارند. هنوز که هنوز است منافع ملی نزد بسیاری از سطح قبیله ویا در بهترین شکل آن از سطح منطقه و ملیت آن ها فراتر نمی رود. البته باید خاطر نشان ساخت که متأسفانه چنین درکی حتی در بسیاری از باسوادان جامعه و نکتایی سالاران ما نیز وجود ندارد و این مساله خاص به اصطلاح ایشان جنگ سالاران و بی سوادان جامعه نیست. دو دستگی ها و افتراق ناشی از بی اعتمادی در میان مردم ما بس عمیق است. با ساده انگاری و چشم پوشی از واقعیت ها نمی توان آن را حل کرد. باید به این موضوع با دلسوزی و صداقت که سلامت و وحدت ملی کشور در نظر باشد به صورت اساسی پرداخته شود.

بدین منظور مردم کشور ما نیاز دارند تا همه در طرح چنان نظامی سهیم شوند که منافع همه را تامین کند و مورد اعتماد شان باشد. از گذشته بیاموزند و اشتباهات مرگ بار و ویرانگر گذشته را تکرار نکنند؛ سرمه های آزموده را نه ازمایند و طلسم های کهن و پوسیده را در هم شکنند.

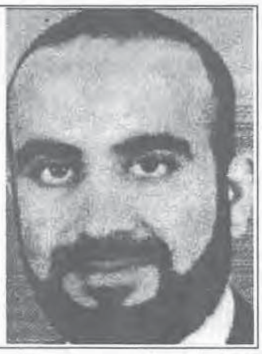
بر آوردن چنین مأمولی صرفاً در لویه جرگه یی که سال آینده تدویر می یابد، میسر است. ایجاب می کند تا در این لویه جرگه، برخلاف لویه جرگه»، قبلی، از هرگونه سطحی نگری، مصلحت اندیشی های غیر موجه، عجله» بی مورد و زد وبند های پشت پرده جلو گیری شده و یک بار و برای همیشه طرح یک افغانستان مستقل و مستحکم و دارای وحدت ملی به معنی واقعی کلمه ریخته شود. صرف در همین صورت است که مردم به نظام و حکومت خود اعتماد کرده در موفقیت آن کوشا وهمکار خواهند بود. ورنه باز هم در صورت افتیدن فتنه یی هر که از گوشه» منفعت های قومی و شخصی خود فرارفته و دشمنان وطن با استفاده از شگاف ها و دو دستگی ها در میان ملت یکی را به جان دیگری می اندازند و از آب های گل آلود ماهی مراد خود را خواهند گرفت.

چنانچه امروز ما حکومت ها و نظام های قبلی را به خاطر عدم توجه شان برای حل مسائیل ملی به صورت اساسی و هم به خاطر جلوگیری شان از سهمگیری کافه» ملت در تعیین سرنوشت شان محکوم می کنیم، دست اندر کاران تدویر لویه جرگه» کنونی نیز مورد قضاوت آیند گان قرار خواهند گرفت وچه بسا که اگر امکانات پیش آمده کنونی برای ساختن و پی ریزی یک افغانستان نوین، متحد و یک پارچه مورد استفاده» معقول و وطنخواهانه قرار نگیرد، اصلاً فردایی برای ما وجود نخواهد داشت. زیرا دشمنان وطن آنقدر به خاطر در هم شکستن کشور ما کار کرده اند و ستون های پنجم ساخته اند که دیگر ما فرصت اتحاد مجدد را نخواهیم داشت.

گرفتاری خالد شیخ محمد

نقطهء عطف در عملیات ایف بی آی درپاکستان

این مطلب در شماره (دهم ۲۰۰۳)مجلهٔ اردو زبان تکبیر چاپ کراچی پاکستان به نشر رسیده است. اینک ترجمهٔ آن را به خوانندگان تقدیم می کنیم. *ترجمهٔ نصیر*





اهمیت گرفتاری خالد شیخ محمد رامی توان از آنجا حدس زد که با رسیدن این خبر به قصر سفید، رئیس جمهور بش را به فوراً از خواب بیدار نمودند .

یا این که شیخ رشید احمد گفت: اسامه در تنظیم القاعده نامی بیش نبود درعقب تمام جریانات اصلی القاعده تلاش های جوان چهل ساله یی به نام خالد شیخ محمد در کار بوده است. اظهار مسرت و خوشی دست اندر کاران حکومت امریکا این اظهارات شیخ رشید احمد (وزیراطلاعات ونشرات)را تصدیق می نماید که گفته است : بر پیکر القاعده ضرب کاری وارد گردید .

اما از فحوای کلام وزرای پاکستانی جز گرفتاری احمد عبد القدوس در آن شب از منزل د کتر عبدالقدوس، ازگرفتاری شخص دیگری چیزی بر نمی آید، پس دراین صورت خالد شیخ از کجا دستگیر گردید؟ ونیز درپشت سر اعلان گرفتاری وی از خانه یی که درآن نبود چه رمزی نهفته است؟ تاحال اینها یکسره سوالاتی با اهمیت وبی جوابی اند، بر گردیم به اصل جریان. نظر به گزارش های رسمی واقعه طوری است که در پاسی از شب در محلهء "ویستریج" واقع جادهء نثار"شهر راولپندی" گروه بازرسی غرض تفتیش منزل خانم "مه لقا" ناظم جماعت اسلامی(همسردکتر عبدالقدوس) "خانهٔ اورا محاصره می نمایند، درجریان بازرسی یکجا با احمد عبدالقدوس چند تن دیگر نیز دستگیر می شوند، که یک تن از جملهء این پنج نفر دستگیر شدگان خالد شیخ محمد می باشد، مردی که از جملهء افراد ردهء اول القاعده بوده، حکومت امریکا در جستجوی گرفتاری اش می باشد.

این خبر نخست از طریق شیخ رشید احمد وزیر اطلاعات ونشرات پاکستان پخش گردید، که درپی آن سیلی از اطلاعات دراین مورد ترتیب وپخش گردید، خبر نگاران اخبار متضاد را از زبان وزرای داخله واطلاعات پاکستان به سمع مردم رسانیدند .

دریکی ازاین خبرها آمده است که هیچ مقاومتی در جریان تفتیش رخ نداد، چنانچه شیخ رشید احمد نیز اظهار داشته بودکه: بزرگترین تخریبکار، مغز متفکر وخاموش وسازمانده عملیات نظامی القاعده بدون مقاومت ومزاحمتی دستگیر گردید.

پس دراین صورت فیرهایی هوایی که در محل به گوش رسیده بود، از طرف چه کسانی صورت گرفته بود؟

دو روز بعد از این واقعه آقای شیخ رشید احمد اظهار داشت که درجریان گرفتاری خالد شیخ مقاومت صورت گرفت که یکتن از اعضای گروه بازرسی درجریان آن جراحاتی برداشته است.

در حالی که شاهدان عینی وهمسایگان دکتر عبدالقدوس اظهار می دارند: حینی که گروه بازرسی غرض گشودن درب منزل دکتر عبدالقدوس تلاش داشتند، آواز شور وفریاد از داخل منزل بلند شد، که در نتیجه محافظ منزل همسایه فیر هوایی نمود، متقابلاً یکی از اعضای گروه بازرسی که لباس ملکی به تن داشت نیز فیر هوایی کرد، ولی به زودی هر دو طرف به این نکته پی بردند که کدام عمل غیر قانونی در شرف وقوع نیست، در داخل منزل دکتر نیز مقاومتی صورت نگرفت. بلکه در دنیایی از سکوت بازرسی عملی گردید در اخیر کار بازرسان، احمد عبدالقدوس پسر دکتر عبدالقدوس را باخود بردند. خبر نگاران از اینجا به صحت گفتار جناب وزیر اطلاعات پی خواهند برد که ایشان "ویستریج" رامحله عقب مانده برشمرد در حالی که "ویستریج" یکی از عصری ترین نقاط مرکز شهر راولپندی به شمار می رود.

آقای دکتر عبدالقدوس حین بازرسی در منزل خود نبودند، در این جا بد نخواهد بود که دکتر عبدالقدوس را نیز بشناسیم، طبق گزارش ها، دکتر عبدالقدوس سالیان درازی رادر کشور سودان به حیث کارمند در یکی از ادارات سازمان ملل سپری نموده و تقاعد خود را نیز از سازمان ملل گرفته است وپس از آن به حیث رئیس اداری شفاخانه امراض قلبی"هارت انترنشنل" که از جانب جنرال متقاعد آقای ذوالفقار تأسیس گردیده است ایفای وظیفه می نماید.

همسر دکتر عبد القدوس خانم "مه لقا"نیز سالیان درازی در بخش هایی از سازمان ملل عهده دار وظایفی بوده وازهمانجا تقاعد خودرا گرفته است .

اما فرزند شان احمد عبدالقدوس از لحاظ روحی شخص متوازنی به شمار نمی رود، چنانچه زنان همسایه ها نیز برای خبر نگاران این مطلب را اظهار داشته اند.

احمد در حالی که از لحاظ جسمی ضعیف نیست ، در رفتار واطوارش شخص عادی به نظر نمی رسد .

روی همین ملحوظ سازمان ملل با تقاعد والدینش برای وی نیز معاشی در نظر گرفته است .

با آن که در مورداهمیت گرفتاری خالد شیخ می توان از لحن اخبار کشورهای غربی حدس زد که فردگرفتار شده شخص عادی نمی باشد .اما این سومین واقعهء گرفتاری اعضای متهم به عضویت در سازمان القاعده در منازل اعضای جماعت اسلامی پاکستان به وقوع می پیوندد. هر چند حکومت پاکستان به علت متهم نشدن جماعت اسلامی در همکاری با القاعده از احتیاط کامل کار می گیرد، چنانچه وزیر اطلاعات آن کشور نیز اظهار داشت که این یک واقعهء تصادفی می باشد ، به هیچ صورت نمی توان ادعاکرد که جماعت اسلامی پاکستان با القاعده روابطی دارد.

اما وزیر داخلهء پاکستان مخدوم صالح فیصل حیات به صراحت گفته است که هر فرد وجریانی خواه سیاسی یا مذهبی در صورت ارتباط با سازمان القاعده مورد باز پرس واقدامات قرار خواهد گرفت .

در این مورد تردیدی وجود ندارد که در سالهای جهاد مقدس مردم افغانستان بر ضد اتحاد شوروی جماعت اسلامی با داشتن بیشترین ارتباط با مجاهدین به حیث اولین میزبان مجاهدین واشتراک کنندگان در جهاد شناخته شده بود . اما بابه میان نیامدن حکومت وسیع البنیاد در افغانستان -با همه تلاش ها- وبه میان آمدن طالبان جماعت اسلامی با همه روابط خود در قضیهء افغانستان ، از جریان کنار رفت، به حدی که درترکیب هیأت پاکستانی که به خاطر ایجادتجدید نظر در روش طالبان با ملا عمر به مذاکره نشستند ، نمایندهء جماعت اسلامی شامل نبود.

در این مسأله تردیدی وجود ندارد که تا زمان متلاشی شدن اتحاد شوروی، امریکا باهمه توان از مجاهدین پشتیبانی می نمود، به قول قاضی حسین احمد درآن زمان عقیده ومفاد ما با سایر مخالفین شوروی یکی بود، اما حال عقاید ما که همان است اما در طرز روش های ما تغیراتی رونما گردیده و با بخشی از آنها به سردی گراییده است .

زیرا روشهای عده یی ما را به این مصیبت مبتلا گردانید .

اما در مورد اظهارات وزرای حکومت پاکستان در نحوهء گرفتاری ها، هماهنگی به نظر نمی رسد . در حدی که برای عامهء ملت پذیرفتن اظهارات ایشان مشکل می نماید .

عده یی گفته اند که دراین دستگیری ها ایف .بی. آی حضور ندارد. اما به این نکته همه توافق دارند که این دستگیری ها بر مبنای اطلاعات ایف. بی. آی صورت گرفته است . که نزدیک شدن ایف . بی .آی به دستگیری اسامه را هیچ یک از اینها تردید ننموده اند .

در ابتداء شیخ رشید احمد گفته بود که خالد شیخ را به امریکا ییها تسلیم نمی دهند ، بلکه دستگیر شد گان را به ممالک خود شان خواهند سپرد . ولی با سپری شدن ۲۴ ساعت شیخ رشید اعتراف نمود که خالد شیخ را به امریکاییها تحویل داده اند. که این تحویل بعد از تکمیل تحقیقات وی از جانب استخبارات پاکستان صورت گرفته است ، دراین مورد نیز نمی توان سخنان آقای وزیر را به زودی پذیرفت؛ زیرا قبل براین در تسلیم دهی یوسف رمزی وایمل کانسی نیز همچو اظهاراتی از جانب حکومت های وقت پاکستان صورت گرفته بود. اما سوال لاینحل دراینجاست که در صورت ادعای حکومت مبنی بر عدم عملیات از جانب ایف بی .آی، جوایزی را که به خاطر دستگیری دوتن فوق الذکر تعیین گردیده بود کی به دست آورد؟ حال نیز خبر نگاران از آقای وزیر می پرسند که جایزهء ۱۵ میلیوی دلاری که در مورد دستگیری خالد شیخ را امریکا وعده سپرده بود به کی تسلیم داده شد؟

سوالی که جوابش را هیچ کس نمی داند.

دانستنی های علمی

په یو وخت کي د دوه متونو پیوند

په اتریش کي جراحانو په یووخت کي دوه متونه له لاسونو سره پیوند کړل، چي ویل کیږي په خپل ډول کي لومړني عملیات دي.

دبي. بي. سي. راډیو دعلمي برخي درپوټ له مخي دغه عملیات دروان کال ددلوي په ۳۰ مه داینسبروك دپوهنتون په روغتون کي پر ۴۱ کلن فرنز جمنیك تر سره شو.

ښاغلي جمنیك دغه ۱۴ساعته عملیات چي دځلورو جراحي ډلو او ۲۵ متخصصانو په مرسته تر سره شو، ښه وزغمه او اوس درغیدو په حال کي دي.

هغه چي په روغتون کي بستري دي خبریالانو ته وویل: عملیات بریالي و.

جمنیك دفرانسي خبري اژانس ته وویل: "حال مي ډیر ښه دي، احساس کوم چي دا مي خپل لاسونه دي."

هغه زیاته کړه :"پردي مسالي چي داد بل چا لاسونه دي، ښایسته دي یانه؟ فکر نه کوم. یواځي هیله من یم چي ښه کار وکړي."

داینسبروك دروغتون دجراحي دبرخي سرپرست"رایموندمګراتیر وایي: ښاغلي جمنیك دمټ له درده خوریږي: خو دایوه



طبیعي مساله ده.

هغه وویل چي له متونو او لاسونو څخه دګټي اخستلو په موخه تمرین له پیوند څخه یوه ورځ وروسته پیل شوي دي او ښاغلي جمنیك هره ورځ دري ساعته فیزیو تراپي کوي چي په ترڅ کي یي نوي ګوتي زده کړه تر لاسه کوي.

د لاسونو د پیوند تاریخچه:

په تیر وخت کي د لاسونو پیوند چندان بریالي نه و ؛ په کال ۱۳۸۰ کي استرالیایي جراحان بریالي شول چي د هغه سړي د دوو لاسونو څخه یو وژغوري چي د اورګاډي په ټکر کي زیانمن شوي وو.

دوه کاله مخکي په لندن کي ډاکترانو د هغه سړي لاسونه بیا پري کړل چي په نړي کي د لاسونو د پیوند لومړني عملیات پري ترسره شوي و.

په هغه مورد کي ناروغ پخپله د لاسونو د پري کولو غوښتونکي و. هغه ویل: دالاسونه احساس نه لري او دیو مړي لاسونو ته ورته دي . له کال ۱۳۸۰ څخه تر اوسه په امریکا او نورو هیوادونو کي د لاسونو د بریالیو پیوندونو په باب لړ رپوټونه خپاره شوي دي. راټولونکي: داکتر محمد طاهر

وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم سال اول شماره هژدهم دوشنبه ۲۶ حوت ۱۳۸۱ - ۱۳ محرم الحرام ۱٤۲٤ - 17 March 2003

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین ارزوهای ماست

روزنامهٔ واشنگتن پست:

رئیس جمهور کرزی به استنطاق ما خوش آمدید

این عنوان درشت وزنند در شمارهٔ ۲۳ فبروری روزنامهٔ واشنگتن پست توجه ناظران سیاسی واهل مطبوعات را به خود جلب کرد.

چرا که ضمن سفر رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان به ایالات متحدهٔ امریکادرامهٔ دردناک واهانت باری برضد حامد کرزی ودر حقیقت بر ضد ملت مجاهد ومسلمان افغانستان، در مجلس سنای امریکا ترتیب داده شد، که از هر لحاظ قابل تأمل است .

روزنامهٔ واشنگتن پست می نویسد:

«همکاران پیشین وفعال سنا گفته اند: تا جایی که به خاطر دارند، در گذشته هیچ سابقه نداشت که یک رئیس دولت درمحضر کمیته روابط خارجی سنا شهادت بدهد واما این چیز اتفاق افتاد ودر هفتهٔ قبل حامد کرزی رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان از ادای شهادت در محضر این کمیته به شدت خشمگین شد وآنرا اهانت به خود دانست»

روزنامه در ادامه می نگارد: رئیس کمیته روابط خارجی سنا به حامد کرزی گفته بود: "بسیار بهتر خواهد بود اگر حامد کرزی به اطاق استماعیه نمبر چهار صد ونزده حضور به هم برساند" چنانچه روز چهار شنبه بیست وشش مارچ در خطاب به او گفت:

"به خاطر چلنج های عظیمی که حکومت تان بدان مواجه است واهمیتی که افغانستان در کشور ما دارد، فکر کردم، باید تعامل کمیته را بشکنم واین ملاقات را در ملأ عام انجام دهم.»

در قسمت دیگر مطلب مندرج روزنامه آمده است: « رئیس کمیتهٔ پر قدرت سنای ایالات متحدهٔ امریکا این مطلب را به حامد کرزی در نامهٔ ۱۳ فبروری خود خبر داده بود.

یک منبع کمیته روابط خارجی سنا گفت محل تازهٔ این گفت و شنود، قبلاً با مشورت و آگاهی سفارت افغانستان در واشنگتن صورت گرفته بود."

روزنامه در شمارهٔ بعدی خود ضمن گزارش مفصلی در بارهٔ این که مراتب و اجرائات مورد نظر سنا، قبلاً به اطلاع حامد کرزی و مقامات سفارت افغانستان رسیده بود، می نگارد:

"حامد کرزی را در کرسی شاهدان، مقابل سناتورها جابجا کردند؛ جایی که اشخاص را برای گواهی احضار می کنند... و سوالات خصومت آمیز و مبهم زیادی از حامد کرزی پرسیده شد که وی توقع و آمادگی پاسخ گویی به آنها را نداشت."

واشنگتن پست می افزاید: ص۳

مجتبی

تاریخچه استفاده از حق ویتو

دربیشتر از ۲۰۰۰ شهر های بزرگ که ۹۸ مملکت را در بر میگیرد صد ها هزار راه پیمایان مخالفت های شدید شان را بر ضد جنگ علیه عراق اظهار داشتند.

ایالات متحده امریکا به همکاری انگلستان می خواهد قطعنامه جدیدی در باره عراق در شورای امنیت تصویب نماید، این قطعنامه به ایشان اجازه می دهد تا صدام حسین را بازور خلع سلاح نماید، اما فرانسه علناً اعلان نموده است هرنوع قطعنامه یی را که به آغاز جنگ اجازه می دهد ویتو خواهد کرد.

امریکا همراه انگلستان در نهایت نومیدی سعی دارند تا حمایت دیگر اعضای شورای امنیت را به دست آرند. اگرچه اکثر جهانیان بر این باور اند که امریکا به شورای امنیت قطعنامه جدید را پیشکش خواهد کرد اما با در نظرداشت مخالفت شدید فرانسه می توان گفت امریکا بدون قطعنامه جدید به جنگ خواهد رفت.

از سال ۱۹۴۵ که سازمان ملل در پی ختم جنگ جهانی دوم به اثر مساعی امریکا و روسیه و متفقین تاسیس گردید تا امروز اتحاد شوروی متوفی و بعداً روسیه وارث آن ۱۲۰ بار، ایالات متحده امریکا ۷۶ بار، انگلستان ۳۲ بار، فرانسه ۱۸ بار و چین ۵ بار از حق ویتو خویش در قبال موضوعات داغ بین المللی استفاده کرده اند.

با وجود آن که کلمه "ویتو" هیچ گاه و در هیچ جای منشور سازمان ملل متحد قید نگردیده است.

شورای امنیت یا عالیترین مرجع تصمیم گیری در سازمان ملل متحد دارای پانزده عضو می باشد که پنج آن عضو دایمی اند. هرگاه قطعنامه از حمایت نه کشور عضو شورای امنیت بهره مند باشد و از جانب پنج کشور دارای حق ویتو حمایت گردد و رای منفی وجود نداشته باشد آن قطعنامه تصویب می شود، رای ممتنع جلو آن را گرفته نمی تواند. ص۳

په مهمندو کي دپاکستان ورستي لاس وهنه دانديښني وږ ده

دامريکا غږ راډيو دکب دمياشتي په څلورويشتمه نيټه وويل : دپاکستان پوځ غواړي چي دننگر هار ولايت شمال ختيځي خواته دگوشتي ولسوالي په کوز سرکي دمهمند و سيمه تر خپلي ولکي لاندي راولي او ددي کارپه بدل کي يي دخلکو اوسپين ږيرو سره دسړکونو، کلينيکونو او ښوونځيو د جوړولو ژمني کړي دي.

ددغي سيمي خلك ديوي جرگي په ترځ کي پاکستاني پلاوي ته خپل شرايط ويلي چي له پاخه سړك نه پرته به په نورو کليوالي سيمو کي له چاسره کارنه لري. ښوونځي او کلينيکونه به جوړوي او بيابه دغه سيمه چي څه ناڅه څلور سوه کيلومتره ده له افغانستان نه بيله او په دوي پوري به ونښلي؛ خو تر اوسه ددغه تړون په باب څه نه دي ويل شوي. ددغي سيمي يو قومي مشر زاهد خان نيك مل وايي ص ۵

از نامه های آمده

کتابخانه عامه کاپیسا مرهون تلاش فردی است نه محصول توجه وزارت اطلاعات وفرهنگ

کاپیسای امروز که از نگاه دیروز تاآمدن نظام اسلامی در کشور ازهمه سب گذشت های تاریخی اش بی خبر ودر انزوا قرار گرفته بود، یکبار دیگر وارد صحنه حیات گردید.

در سپیده دم طلوع خورشید رژیم اسلامی متوجه ترمیم وبازسازی تخریبات وضایعاتی مادی ومعنوی خویش گردید ونامش را در کهنه کتاب تشکیلات دولتی راجستر نمود، و ارگان تشکیلاتی اش را با وجه معلوم بودجوی باز یافت ولی با دریغ تبربه دستان کوته اندیش وخیره رأی یکبار دیگر به خانهٔ باغچه اش تاختند آنرا ویران وسرو سمنش را از بیخ وبن کشیدند، کانون های علمی (مکاتب و مدارس) اش را بستند و کتابخانهٔ کوچک و ابتدایی اش را که به سعی واهتمام شخصیت علم دوست و مجاهد آگاه مولوی غلام ایشان والی اسبق آن ولایت و همکاری برخی از دانش پژوهان بنایافته بود، چور و تاراج نمودند.

گرچه صاعقهٔ طالب نماها وسیطرهٔ (القاعده) دراین سرزمین برای چند نوبت دوام چندانی نکرد ولی محاصرهٔ اقتصادی و رکود فرهنگی در طی چند سال از موجودیت این گروه ها در مرکز پایتخت و ماحول آن نهاد ها علمی و تر بیبی این ولایت را دستخوش خود گامگیها نمود. زیرا طالبان را عادت برآن رفته بود که هنگام اشغال مناطق ، سکنهٔ بومی را بایستی از همه حقوق و مزایای زندگی محروم ساخت.

طوریکه در بالا اشاره به عمل آمد کتب وداشته های فرهنگی این ولایت در برود باختهای نظامیان چور و تاراج گردید، انگار که تا اواسط سال ۱۳۸۰ خورشیدی نهادی بنام کتابخانه دراین و لایت به نظر نمی رسید. در نیمهٔ تابستان همان سال که تحرکات نظامی مخالفین در مناطق مرکزی (کاپیسا) به ناکامی انجامید اقتضاء زمان برآن شدتا اندکی فراغت از بلای جنگ به سوی باز سازی وگشایش کانونهای در هم ریختهٔ فرهنگ رفت.

نگارنده که درآن گاه مسوولیت فرهنگی کاپیسا را به عهده داشتم هنگام مراجعت از یک سفر غیر رسمی از کشور دوست، جمهوری اسلامی ایران مبلغ یکنیم هزار دالر امریکایی را از درک شخصی و مبلغ پنجصد دالر از مساعدت دوستانم چون آقای (فرقانی) رئیس وحاج (راهدار) معاون دفتر نمایندگی وزارت امورخارجهٔ ایران در استان خراسان کتاب خریداری وبا رنج و مرارت طاقت فرسا به وطن انتقال دادم که عدهٔ در بندر ای خانم و قسمتی در اثر چپه شدن موتر حامل مادر(روزم کوتل) دشت قلعه مفقود و تلف گردید و تعداد باقیمانده را که بعد از سپری شدن مدت مدیدی در شرایط جنگی از طریق بندر به دستم رسید با یکتعداد کتب و نشرات دوران جهاد که به سعی و اهتمام آقایان فضل احمد عظیمی، معین کنونی وزارت امور داخله و قوماندان اسبق اوپراتیفی و حاج دکتور سید احمد حقبین، والی کنونی ولایت کاپیسا در جایی ذخیره و به اختیار ریاست اطلاعات و فرهنگ گذاشته و به کتابخانه انتقال و به سر وصورت بخشیدن آن از مدارک غیر دولتی پرداخته شد، به همین ترتیب فرش و ظرف چایخوری آن از مدرک مبلغ یکصددالر امریکایی که توسط محترم انجنیر حشمت خلیل یکتن از جوانان روشنفکر افغان در کشور فرانسه حین بازدیدش از کتابخانه اهداء شده بود، خریداری گردید، چوکی های آن به اثر توجه محترم دکتر حقبین ، والی ولایت که ازمدارک خارج از بودجهٔ وزارت اطلاعات و فرهنگ کارسازی و تدارک دیده شده بود، تهیه گردیده است که وزارت محترم اطلاعات وفرهنگ با وصف تقاضا و مراجعات مکرر نظر به معاذیری که داشتند هیچگونه مساعدت و اقدامی را در زمینه به عمل نیاوردند. در فرجام برای آنکه داشته های آن کتابخانه بنام و حساب دیگر معامله نگردد نکاتی چند از طریق نشرات آزاد خدمت مسوولین امور وعلاقمندان این نهاد فاقد تدارک بودجوی عرض گردید تا اگر در غناء و تجهیز بیشتر آن سهم فرهنگ دوستانهٔ شان را ایفاء کنند.

و ما علینا إلا البلغ
قضاوت پوه عبد الصبور"غفوری"
قاضی دیوان امنیت عامه محکمهٔ عالی استیناف مرکز